



## بلاهای امام حسین (ع) و امام مهدی (عج) کدامند؟

روز عاشورا، هزاران ملک برای یاری امام حسین(ع) هبوط کردند؛ اما وقتی رسیدند که ماجرا تمام شده بود. لذا، غبارآلود و عزادار، در کربلا، وقوف کرده‌اند تا پس از ظهور، در رکاب حضرت مهدی(ع) باشند.

روز عاشورا، هزاران ملک برای یاری امام حسین(ع) هبوط کردند؛ اما وقتی رسیدند که ماجرا تمام شده بود. لذا، غبارآلود و عزادار، در کربلا، وقوف کرده‌اند تا پس از ظهور، در رکاب حضرت مهدی(ع) باشند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: دعای ندبه دعایی است که در فرازی از آن خداوند را به جهت ابتلائات اولیائش، حمد می‌کنیم:

«اللهم لك الحمد علی ما جرى به قضائك فی اولیائك» «خدا یا! ما تو را به خاطر سرنوشتی که بر اولیائت رقم زدی، ستایش می‌کنیم.»

... ربوبیت خدای متعال، نسبت به همه عوالم، از بستر «قضاء بر اولیا» می‌گذرد و قضای اولیاء نیز از بستر بلا. این بلا، اجباری و قهری نیست؛ بلکه بلایی است که حضرت حق، میثاقش را از اولیای خود گرفته است و ایشان نیز، به این میثاق، وفادار هستند (فشرطوا لك ذلک و علمت منهم الوفاء) (1)

محصول این بلا هم، «فقبلتهم و قربتهم و قدّمت لهم الذکر العلیّ و الثناء الجلیّ» (2) است و نیز «جعلتهم الذریعة إلیک و الوسيلة إلی رضوانک.» (3)

از آنجا که ربوبیت خدای متعال بر عوالم، از مجرای بلای اولیای خدا می‌گذرد، تمام آنچه به موجودات می‌رسد، در شعاع همین بلاست و در حقیقت، همه، ریزه‌خوار این سفره هستند. بنابراین، نه تنها انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم السلام از عاشورا بهره‌مند شده‌اند، که در واقع، این جریان، برای آن‌ها ضیافت است.

در روایات آمده است که در روز عاشورا، هزاران ملک برای یاری امام حسین علیه السلام به زمین هبوط کردند؛ اما وقتی رسیدند که ماجرا تمام شده بود. از این رو، غبارآلود و عزادار، کنار مزار حضرت، وقوف کرده‌اند تا پس از زمان ظهور، در رکاب منتقم آن حضرت باشند. (4) پس ملائکه نیز با بلای ایشان، در حال سلوک‌اند.

اگر انسان از مدخل بلای اولیای الهی وارد شود و بتواند بلای ایشان را درک کند، آن‌گاه خواهد توانست ولایتشان را بپذیرد و آنان را تصدیق کند؛ و إلا تصدیق کردن، کار آسانی نخواهد بود.

این مسئله در جریان موسای کلیم علیه السلام و خضر نبی علیه السلام، کاملا مشهود است. در آن جریان، موسی علیه السلام با ارشاد و امر خدای متعال، به معلمی الهی دست می‌یابد، ولی در مسیر آزمایش‌ها و ابتلائات، توان تصدیق ایشان را پیدا نمی‌کند و در نتیجه از همراهی او، باز می‌ماند.

چنانچه، قرآن از زبان خضر نبی می‌فرماید: «هذا فراق بینی و بینک سأنبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرا.» (5) ... گاهی بلای یک شخص، نه تنها عامل نجات و ارتقای خود او، که سبب خیر برای اطرافیانش نیز می‌شود. برای مثال، ابتلای حضرت یعقوب علیه السلام، به نجات امت مصر، هدایت پسرانش و نیز نائل شدن حضرت یوسف علیه السلام، به مقام علم و نبوت و جایگاه عزیزی مصر منجر شد. اگرچه صبر حضرت یوسف علیه السلام در برابر بلایای وارد شده بر خودش نیز، عامل مهمی در ارتقاء معنویش بود.

عاشورا نیز اگرچه ابتلا و امتحانی برای امام حسین علیه السلام و مردم زمان ایشان بود، اما در حقیقت، ضیافت گسترده‌ای بود، برای مؤمنان و صابران بوده و هست؛ چراکه علاوه بر درجاتی عالی که خداوند به واسطه بندگی و صبر امام و یارانش، به آنان عطا نمود، مصیبت سید الشهداء علیه السلام - که اعظم مصیبت‌ها و بلا یاست - می‌تواند وسیله قرب انسان‌ها به خداوند متعال شود... عاشورا ضیافت است؛ اما ضیافت بلا، که ورود آن - دست‌کم - با حالت بکاء است و اوج آن، جان دادن از شدت گریه.

سلوک به بلا، از مدخل گریه آغاز می‌شود. از این رو، امام سجاد علیه السلام در جواب اعتراض اطرافیان به شدت حزن و گریه ایشان، می‌فرماید:

«حضرت یعقوب علیه السلام، یک فرزندش غایب شد، آن‌چنان گریست که بینایی‌اش را از دست داد. من چه طور گریه نکنم درحالی‌که دیدم، در یک روز پدرم و شمار بسیاری از اهل بیتم را ذبح کردند؟» (6)

واقعه عاشورا، بلایی بود که امام حسین علیه السلام، آن را به جهت هدایت ما، تحمل کرد. اگر انسان به چرایی وقوع آن حادثه پی ببرد، خدا را برای این مصیبت، حمد خواهد کرد و این، همان حمدی است که در سجده آخر زیارت عاشورا به جا می‌آوریم. (7)

در حقیقت، کشتی نجاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام حسین علیه السلام را ناخدای آن می‌دانند همان ابتلا و مصیبت عظیم ایشان است و بهترین راه ورود به این کشتی، توجه به این مصیبت. لذا در زیارت عاشورا، پس از ابراز محبت می‌خوانیم: «و اسئل الله بحقکم و باشأن الذی لکم عنده ان یعطینی بمصابی بکم افضل ما یعطی مصابا بمصیبتہ ما اعظمها و اعظم رزیتها فی الاسلام و فی جمیع السموات و الارض.» (8)

...ماجرای سید الشهداء علیه السلام جزو اسرار عالم است. کسی جز خدا نمی‌داند که چطور در دوره غربت اسلام و در شرایطی که جبهه مقابل، احساس پیروزی می‌کرد و در کنار سر بریده سید الشهداء علیه السلام، ندا برمی‌داشت: «لعبت هاشم بالملک، فلا خبر جاء و لا وحی نزل» (9)، یک انسان غریب و مظلوم، کار را تمام کرد و یک تاریخ را نجات داد...

در جریان کربلا، جبهه باطل با نقشه‌ای عظیم آمده بود تا به اسلام، تیر خلاص بزند، ولی نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برای چنین روزی، سید الشهداء علیه السلام را تربیت کرده بودند، در واقع، اعظم عابدان را به مصاف اعظم مکائد شیطان، فرستادند.

ابلیس، که پس از رانده شدن از درگاه خدا، فرصت چند دعای مستجاب را از خدا خواسته بود، یکی از خواسته‌های خود را برای کربلا نگه داشت. در روز عاشورا، هنگامی که حضرت ابا عبد الله علیه السلام، در گودی قتلگاه افتاده بودند و تشنگی بر ایشان فشار آورده بود، از خدا خواست که خورشید را با تمام توان بر حسین علیه السلام بتاباند و خورشید به گونه‌ای بر حضرت تابید که نگفتنی است. عطش مخصوص ابا عبد الله علیه السلام که معصومین علیهم السلام روی آن حساس بوده‌اند و خدای متعال، روضه‌اش را برای حضرت آدم علیه السلام خوانده است، نتیجه این گرماست.

در همان حال، جبرئیل اجازه گرفت و میان خورشید و حضرت حائل شد؛ اما حضرت فرمود: «کیست که بین من و حبیبم، حائل شده است؟ ای جبرئیل! کنار برو.»

بنابراین ابلیس، تمام توان خود را به کار گرفت که نقطه‌ضعفی از سید الشهداء علیه السلام بگیرد اما ایشان، با تمام وجود، او را زمین‌گیر کرد و سرانجام، این عبودیت محض، محور عبودیت و تهذیب، در تمامی ادوار شد.

اگر کسی، عظمت عاشورا را درک کند، قطعا این توجه در او پیدا می‌شود که جریان ابلیس در روز عاشورا شکست خورده و دیگر امکان بقا و ماندگاری ندارد؛ بنابراین، به پایان این جریان ایمان می‌آورد و کسب توفیق حضور در آن پایان خوش، خواسته و آرزوی او می‌شود:

«فاسئل الله الذی اکرمنی مقامکم و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.» (10)

این‌جاست که بلای امام حسین علیه السلام با بلای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند می‌خورد. غیبت، ابتلای عظیم امام زمان ماست که ایشان را از به تحقق رساندن وعده‌های الهی و گرفتن انتقام از قاتلین جد بزرگوارش، مانع شده است.

بلای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به قدری عظیم و بزرگ است که غم و مصیبت آن، ائمه علیهم السلام را سال‌ها پیش از میلاد آن حضرت، به گریه وا می‌داشت. چنان‌چه، برخی از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که بر آن حضرت وارد شدند و ایشان را در حالتی یافتند که گریه‌ای شدید می‌نمودند و پیوسته می‌فرمودند: «سیدی! غیبت تو، خواب را از من گرفته است» و آن‌گاه که علت را جویا می‌شوند، حضرت می‌فرماید: «کتاب جفر را نگاه می‌کردم که به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حوادث آن دوران رسیدم.» (11)

یکی از بزرگ‌ترین درس‌های سوره یوسف، چگونگی برخورد حضرت یعقوب علیه السلام با مسئله غیبت ولی خدا است. او همیشه مشغول گریه بود؛ درحالی‌که در مقام نبوت و عصمت، قرار داشت و می‌بایست پیوسته به یاد خدا مشغول باشد. پس اگر گریه بر یوسف علیه السلام، جزئی از سلوک ایشان به سوی خدا محسوب نمی‌شد، آن‌گونه گریه نمی‌کرد؛ چراکه انبیاء، حتی از افعال مباح هم پرهیز می‌کردند. اما ایشان، بر آن واقعه، به قدری گریه کرد که چشم‌هایش، سفید و کمرش، خم شد و حتی زمانی که به جنون، متهم گشت نیز، دست از گریه برنداشت. پس باید با بلا و غیبت ولی خدا، این‌گونه برخورد کرد؛ نه آن‌که ولی خدا مبتلا باشد و ما در غفلت باشیم؛ چنان‌چه این مسئله، یکی از پیام‌های مهم دعای ندبه است: «عزیز علی ان تحیط بک دونی البلوی.»

این‌جاست که متوجه می‌شویم چرا در بعضی از روایات، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به غیبت حضرت یوسف علیه السلام تشبیه شده است؛ چراکه مبتلاترین فرد در غیبت یوسف علیه السلام، خود او بود. در غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مبتلاترین شخص، خود حضرت است؛ از این رو، تحمل غیبت برای ایشان، از همه دشوارتر است. (12)

منابع:

3-2، 1 فرزهایی از دعای ندبه

4- امام رضا علیخ السلام: به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین [علیه السلام] به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین [علیه السلام] کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است. (بحار الانوار، ج 44 ص 285)

5- سوره کهف؛ آیه 78

6- جلاء العیون، علامه مجلسی، ص 836 به نقل از کامل الزیارات 107؛ مناقب ابن شهر آشوب 4/179

7- «7- اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رِزْقِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَقَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ تَيْتَ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.»

8- فرازی از زیارت عاشورا

9- اللهوف سید بن طاووس ص 215: یزید لعین مکرر به دندان مبارک فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله می زد. و می گفت بنی هاشم (هوای سلطنت داشتند) و با ملک و سلطنت بازی کردند (و اسلام را بهانه کردند)؛ و در حقیقت هیچ خبر آسمانی نیامده بود و هیچ وحیی هم نازل نشده بود (مراد آن کافر از بنی هاشم جسارت نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است)

10- فرازی از زیارت عاشورا

11- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج 2، صص 33-38

12- از فرات تا فرات ج 1 صص 33-19 حجه الاسلام سید محمد مهدی میرباقری